

## دروس مقدماتی کلیسای ۲۲۲ فنلو

" درس چهارم "

### خلقت جهان هستی



هنگامی که به جهان اطراف خود نگاه میکنیم، با دیدن عظمت و نظمی که بر آن حاکم است دچار شگفتی می شویم. با دیدن این همه نظم و پیچیدگی مبهوت شده و سوالات بسیاری بر ایمان مطرح میشود.

- آیا خالق پشت تمام این جهان هستی وجود دارد؟

- آیا خلقت بر اثر انفجار بیگ بنگ به وجود آمده؟

- آیا تمام موجودات در این کره خاکی از یک سلول به وجود آمده است؟

در این درس تلاش خواهیم کرد که به این سوالات، از دیدگاه کتاب مقدس پاسخ دهیم.

## 222CHURCH خدا آفریننده جهان

کتاب مقدس به ما میگوید که خدا آفریننده تمام جهان هستی و کائنات است.

مزمور باب 33 آیه 6:

به کلام خداوند آسمانها ساخته شد، و همه لشکر آنها، به دم دهان او.

مزمور باب 33 آیه 9:

زیرا او گفت و شد؛ امر فرمود و برپا گردید.

## اعمال رسولان باب 17 آیات 24 و 25:

خدایی که جهان و هر آنچه در آن است آفرید، مالک آسمان و زمین است و در معابد ساخته دست بشر ساکن نمیشود. دستان بشری نمیتواند خدمتی به او بکند، چنانکه گویی به چیزی محتاج باشد، زیرا خود بخشنده حیات و نفس و هر چیز دیگر به جمیع آدمیان است.

بابهای اول و دوم کتاب پیدایش که به سرود آفرینش هم معروف است، شرح آفرینش جهان هستی

و مراحل مختلف این آفرینش را به شکل خلاصه بیان می کند. از این دو باب می فهمیم که خدا

فاعل و عامل اصلی آفرینش است. خدا جهان را از نیستی به هستی آورد. یعنی پیش از عمل

آفرینش هیچ ماده ای وجود نداشت. خدا گفت و شد.

پیدایش باب 1 آیه 1:

در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید.

رومیان باب 4 آیه 17:

چنانکه نوشته شده است: "تو را پدر قومهای بسیار گردانیده ام." و در نظر خدا چنین نیز هست، خدایی که ابراهیم به او ایمان آورد، او که مردگان را زنده میکند و نیستیها را به هستی فرا میخواند.

ده دستور الهی منجر به عمل آفرینندگی در خلال شش روز می شود. به طوری که در میان

روزهای اول تا سوم و روزهای چهارم تا ششم ارتباطی قرار می شود. در روز نخست خدا

روشنایی را آفرید و در روز چهارم نورافشانها را خلق کرد (خورشید و ماه و ستارگان). در

روز دوم فلک و دریا را ساخت و در روز پنجم ساکنان آسمان و دریا را (پرندهگان و ماهیان).

در روز سوم زمین و گیاهان را آفرید و در روز ششم ساکنان آن را (حیوانات و انسان را). و

گیاهان را همچون خوراک به آنها ارزانی داشت و بالاخره روز هفتم آرامی گرفت. اعمال

آفرینش در روز ششم به اوج خود رسید، زمانی که انسان را در دو جنس آفرید. چرا که خدا

کارهایی را که در پنج روز گذشته انجام داده بود، همچون کاشانه ای به انسان داد. و این

نشاندهنده ی این است که، ما سوگلی در تمام آفرینش هستیم. نوع خلقت ما و توجه خاص در خلقت موبد این ادعا می باشد.

خدا خلقت خودش را به ما داد، تا حفاظت آن و اداره ی آن بر عهده ی ما باشد. خدای کتاب مقدس خدایی نیست که، جهان هستی را خلق کرده و به حال خود گذاشته باشد.

در روایت خلقت جهان، آفرینش انسان جایگاه خاصی دارد و گویی در مراحل قبلی صحنه آماده می شود، تا خدا با آفرینش انسان خلقت خود را به کمال برساند و گل سرسبد این آفرینش را که انسان باشد، برای حاکمیت بر جهان به صحنه بیاورد.

در *پیدایش 1:26* می خوانیم که خدا گفت: آدم را به صورت ما و موافق و شبیه ما بسازیم. خدا با

آفرینش انسان قصد نمود تا مخلوقی را بیافریند، که تا آنجا که ممکن است شبیه او بوده و نمایانگر و معرف او باشد. و همین شباهت، این امکان را فراهم ساخت تا انسان با خدا رابطه و مشارکت داشته باشد. در حالی که رابطه و مشارکت عمیق بین خدا و هیچ یک از مخلوقات بدین شکل امکان نداشت. حالا سوال این است که ما در چه چیزی شبیه خدا هستیم.

## ابعاد مختلف شباهت انسان به خدا

### الف) بعد اخلاقی

خدا انسان را طوری خلق کرد که دارای حس تمییز اخلاقی است و تفاوت خوبی و بدی اخلاقی را درک می کند. به همین منظور خدا وجدان را به عنوان یک معیار در انسان گذاشت، که تشخیص خوب را از بد می دهد. انسان دقیقاً زمانی که گناه می کند، به آن واقف است. و زمانی که کار خوب انجام می دهد هم یک شادی درونی دارد.

پیدایش باب 3 آیه 7:

آنگاه چشمان هر دوی آنها باز شد و دریافتند که عریانند؛ پس برگهای انجیر به هم دوختند و لنگها برای خویشان ساختند.

اما در درسهای بعدی خواهیم دید که وقتی انسان سقوط کرد، وجدان او هم آن حساسیت خود را از دست داد.

### **(ب) بعد روحانی**

انسان موجودی است روحانی که می تواند با خدا و عالم روحانی ارتباط داشته باشد و به حمد و پرستش خدا بپردازد و از این رابطه لذت ببرد. در پیدایش 7:2 میبینیم که خدا روح حیات را در انسان دمید و آدم زنده شد. در هیچ خلقت دیگری خدا روحش را به آنها نداده جز انسان. به همین خاطر ما انسانها موجوداتی هستیم نه تنها جسمانی بلکه روحانی.

### **(ج) بعد شخصیتی**

در درس قبل مفصل در خصوص این که چه کسانی شخصیت دارند صحبت کردیم و گفتیم که خدا شخص است و انسان هم مثل خدا است. یعنی: 1. دارای قدرت تفکر و استدلال کردن است. 2. احساس دارد و تحت تاثیر قرار می گیرد. 3. اراده دارد و می تواند درست یا اشتباه تصمیم گرفته و عمل کند.

### **(د) بعد تسلط و حکمرانی**

خدا انسان را به عنوان یک حاکم بر خلقت خود گمارد و حاکمیت و سلطنت تمام خلقت خود را به انسان سپرد. نه این که انسان صاحب خلقت باشد، بلکه انسان ناظر بر خلقت خدا بود.

پیدایش باب 1 آیه 28:

خدا ایشان را برکت داد، و خدا بدیشان فرمود: " بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و بر آن تسلط یابید. بر ماهیان دریا و بر پرندگان آسمان و هر جاندارى که بر زمین حرکت میکند، فرمان برانید."

اما در درسهای بعدی خواهیم دید که انسان چه بلایی بر سر این خلقت آورد و خلقت خدا را چگونه دو دستی تقدیم شیطان کرد.

## ه) بعد خود آگاهی

انسان موجودی است که از وجود خود آگاه است و از افکار و امیال و آرزوهای خود آگاه است. و از این جهت هم شبیه خداست. مثلاً ما انسانها آرزوی این را داریم که یک خانه ی خوب داشته باشیم، خدا هم آرزوی ما را در آسمان برآورده می کند.

یوحنا باب 14 آیات 2 و 3:

در خانه ی پدر من منزل بسیار است، وگرنه به شما می گفتم. می روم تا مکانی برای شما آماده کنم. و آنگاه که رفتم و مکانی برای شما آماده کردم، باز می آیم و شما را نزد خود می برم، تا آنجا که من هستم شما نیز باشید.

خدا هم آرزو دارد که تمام انسانها نجات پیدا کنند. ما موجوداتی هستیم که از وضعیت خود و اوضاع و احوال دور و بر خود آگاهی داریم، ولی حیوانات هر کاری را از روی غریزه انجام می دهند. آنها آرزو نمی کنند که وضعیت بهتری داشته باشند، چون این خود آگاهی در آنها تعبیه نشده است.

## ی) بعد اجتماعی و ارتباطی

انسان موجودی است که می تواند رابطه ای عمیق با انسانهای دیگر برقرار کند. رابطه برقرار کردن انسانها با یک شناخت و معرفت صورت می پذیرد و در نهایت عمیق تر می شود. اما

شاید سوال شود که حیوانات هم با هم در ارتباطند؟ بله، ارتباط حیوانات یک غریزه است و فقط به جهت رفع نیاز است ( برای محافظت، گرم شدن و غیره ). بله در نگاه اول شاید رابطه ی ما هم یک نیازی را برآورده کند، اما اساس رابطه ی ما نیاز نیست، بلکه محبت است. یک زن و شوهر صرفاً برای نیاز کنار هم قرار نمی گیرند یا یک پدر درست است که نیاز بچه ها را برآورده می کند، اما محرک رفع نیاز محبت است نه نیاز. به همین دلیل ما موجودات ارتباطی و اجتماعی هستیم. یکی از بدترین شکنجه ها این است که شخص را در زندان انفرادی قرار دهند، یعنی ارتباط قطع شود.

**نکته:** باز هم قابل توجه است که شاید در حیوانات ویژگی هایی مثل تفکر ساده و ارتباط پذیری مشاهده شوند، اما این ویژگی ها به هیچ وجه قابل مقایسه با آن تفکر و ارتباط عمیقی نیستند که در انسانها دیده می شود. به طور مثال هیچ حیوانی نمی تواند با فکر کردن کامپیوتر درست کند.

## خلقت آدم

خداوند تمامی خلقت خود را گفت و شد و هیچ عملی را انجام نداد، اما برای انسان در حالی که خدای قادر مطلق این توانایی را داشت که بگوید و انسان خلق شود، این کار را نکرد و دست به خلقت زد.

در **پیدایش 2:7** می بینیم که خداوند خدا آدم را از خاک زمین سرشت و در بینی وی روح حیات دمیده و آدم نفس زنده شد.

**اما چرا از خاک؟** کتاب مقدس جواب دقیقی در این قسمت نمی دهد، اما چند نظریه مختلف وجود

دارد که به آنها نگاهی کوتاه می کنیم!

1. تمام دانشمندان بر این باور هستند که خاک تمام مواد آلی و شیمیایی برای بقا و ادامه ی حیات دارد و در ما هم این بقا و ادامه ی حیات مثل خاک وجود دارد, به همین خاطر ما از خاک گرفته شدیم تا ادامه ی بقا و حیات داشته باشیم.

2. از طرفی دیگر خدا می بایست انسان را از موادی خلق می کرد که برای انسان فهمیدن و شناخت جهان و سلطنت بر آن راحت می بود. او می توانست انسان را در یک سیاره ی دیگر خلق می کرد و بعد بر روی زمین می فرستاد, اما انسان نمی توانست شناخت آنی از این دنیا را می داشت, در صورتی که انسان می بایستی خیلی سریع ادامه ی حیات می داد.

3. از طرفی خاک یکی از بی ارزش ترین موادی است که در تمام دنیا وجود دارد و خدای قادر مطلق از یک ماده ی بی ارزش دست به خلقت عالی می زند. در واقع خدا می تواند از هیچ چیز یک موجود عالی یعنی انسان را بیافریند.

## خلقت حوا

در پیدایش باب 2 آیات 21 تا 23 می بینیم که خدا خوابی سنگین بر آدم مستولی گردانید و یکی از دنده هایش را گرفت و زنی از آن ساخت و وقتی آدم زن را دید فوراً شناخت و گفت: " همانا این است استخوانی از استخوانهایم و گوشتی از گوشتم " و نام او را نساء یعنی از انسان گرفته شده نامید.

زن از پهلوی آدم خلق شد, به این دلیل که زن به عنوان معاون برای سلطنت بر خلقت آفریده شده از پهلوی آدم خلق شد نه از سر آدم که بعدها بر آدم حکمرانی کند و نه از پای آدم که بعدها آدم زن خود را حقیر و پست بشمارد. خلقت خدا عالی و زیبا بود. زن از پهلوی آدم از نزدیک قلب

آدم گرفته شد تا مورد محبت آدم و معاون وی وهم ارزش با او باشد, نه بالاتر و نه پایین تر.

## طبیعت انسان

از پیدایش 7:2 می فهمیم که انسان از سه بعد تشکیل شده است:

1. جسم ( که از خاک گرفته شده )

2. روح ( روح حیات )

3. نفس زنده ( که به جان معروف است )

البته بعضی از مفسرین کتاب مقدس جان و روح را یکی دانسته و معتقدند انسان از دو بعد مادی و غیرمادی تشکیل شده است.

وقتی مرگ به سراغ انسانها می آید, جان از بدن یا جسم خارج می شود و به محض بیرون آمدن جان روح نیز از جسم خارج شده, در انتظار روزی می ماند تا با فرا رسیدن زمان رستاخیز مردگان در زمان بازگشت مسیح با بدنهای جلال یافته شان متحد شده و آماده ی حضور به خانه ی ابدی می شوند. اما در مورد بی ایمانان, یعنی کسانی که نجات مسیح را دریافت نکرده اند, روح آنها پس از مرگ در وضعیت داوری قرار می گیرند.

لوقا باب 16 آیات 24 تا 26:

پس با صدای بلند گفت: " ای پدر من ابراهیم, بر من ترحم کن و ایلعاذر را بفرست تا نوک انگشت خود را در آب تر کند و زبانم را خنک سازد, زیرا در این آتش عذاب می کشم. اما ابراهیم پاسخ داد: " ای فرزند, به یاد آر که تو در زندگی از چیزهای نیکوی خود بهره مند شدی, حال آنکه چیزهای بد نصیب ایلعاذر شد. اکنون او اینجا در آسایش است و تو در عذاب. از این گذشته, میان ما و شما پرتگاهی هست؛ آنان که بخواهند از اینجا نزد تو آیند نتوانند, و آنان نیز که آنجا بمانند نتوانند نزد ما آیند."

و با فرا رسیدن رستاخیز مردگان روح آنها هم با بدنهای جدید متحد شده, برای داوری نهایی در



برابر تخت خدا قرار می گیرند ( مکاشفه باب 20 آیات 12 و 15 ).

**نکته:** به تعبیری دیگر می شود گفت که جان چسب بین روح و جسم است. وقتی جان از بدن بیرون می رود، چسب بین روح و جسم که جان است، وجود ندارد، بنابراین روح در جسم نمی ماند.

پس اگر سقوط و تباهی تمام وجود انسان را فرا می گیرد، وقتی نجات مسیح را دریافت میکنیم، این نجات شامل تمامیت وجود ما می شود و اگر خدا را جلال می دهیم و می پرستیم، او را هم با روح و هم با جسم، با تمامیت خود جلال دهیم.

یوحنا باب 4 آیه 23:

اما زمانی می رسد، و هم اکنون فرا رسیده است، که پرستندگان راستین، پدر را در روح و راستی پرستش خواهند کرد، زیرا پدر جویای چنین پرستندگانی است.

اول قرنطیان باب 6 آیه 20:

به بهایی خریده شده اید، پس خدا را در بدن خود تجلیل کنید.

## خلقت فرشتگان:

کتاب مقدس از زمان مشخص در خصوص خلقت فرشتگان سخن نمی گوید. اما از کلام خدا

مشخص است که فرشتگان، قبل از آفرینش جهان هستی و انسانها خلق شده اند (ایوب باب 38

آیات 4 تا 11). در این آیات مشخص می شود که فرشتگان در زمان خلقت دنیا بودند و از

بوجود آمدن این خلقت شادی می کردند.

فرشتگان به روحهای خدمتگزار معروف هستند و هدف از خلقت آنها این است که یا خدا را

خدمت کنند یا انسانها را.

متی باب 18 آیه 10:

آگاه باشید که هیچ یک از این کوچکان را تحقیر نکنید، زیرا به شما می گویم که فرشتگان ایشان در آسمان همیشه روی پدر مرا که در آسمان است، می بینند.

عبرانیان باب 1 آیه 14:

مگر آنها جملگی روحهایی خدمتگزار نیستند که برای خدمت به وارثان آینده ی نجات فرستاده می شوند؟

### **کتاب مقدس فرشتگان را به 5 گروه عمده تقسیم می کند:**

**1. فرشتگان خدمتگزار:** که کار آنها خدمت ایمانداران به مسیح و نجات یافتگان و خدمت

خداوند است (اول پادشاهان 6:19, مزمور 4:104).

**2. فرشتگان محافظ:** حفاظت ایمانداران مسیح بر عهده ی این فرشتگان است (مزمور

11:91, دانیال 23:6).

**3. صرافین:** کار اصلی این فرشتگان در قسمت پرستش و تقدیس است و اکثر آنها به اشکال

حیوانات هستند (اشعیا 2:6).

**4. کروبیان:** فرشتگانی مخصوص برای خدمتهای بسیار خاص هستند، که ماموریتهای

مخصوصی را بر عهده دارند، مثل جبرئیل و میکائیل. حتی شیطان هم جز کروبیان بود. کروبیان

در عهد عتیق بر تخت و معبد حضور داشتند (خروج 18:25, پیدایش 24:3).

کروبیان همچنین فرشتگان نگهبان هستند که کار فرماندهی را بر عهده دارند. همچنین سایه گستر

خداوند هستند (حزقیال 14:28).

**5. فرشتگان حیوان شکل:** که از آیات کتاب مقدس می توان فهمید که در اجرای داوری خدا نظارت دارند ( مکاشفه 7:15 ).

## ویژگی های خلقتی فرشتگان

1. فرشتگان توانایی جنسی ندارند, پس آنها ازدواج و تولید مثل نمی کنند. در واقع تعداد آنها نه کم می شود و نه زیاد ( متی 30:22 ).

2. دانش فرشتگان از ما انسانها بیشتر است, اما در برابر خدا دانایی و علم محدودی دارند ( متی 36:24 ).

3. فرشتگان جنسیت ندارند. هر چند در کتاب مقدس آنها اسامی مذکر مثل ( جبرئیل و میکائیل دارند, اما به آنها جنسیت مرد یا زن نمی دهد ( لوقا 1:26 ).

4. فرشتگان مخلوقات روحانی هستند, یعنی آنها مانند ما انسانها دارای جسم نیستند.

5. سرعت حرکت فرشتگان بسیار زیاد است و مثل باد آنها در صدم ثانیه می توانند از جایی به جایی حرکت کنند. اما آنها مثل خدا حاضر مطلق نیستند ( مزمور 4:104 ).

6. فرشتگان قدرت زیادی دارند, اما در مقابل خدا که قادر مطلق است, محدود هستند.

7. خلقت فرشتگان طوری است که امکان نجات پیدا کردن را ندارند ( عبرانیان 2:16 ).

**نکته:** در درسهای بعدی مفصل به این موضوع اشاره خواهیم کرد که یک سوم (1/3) از

فرشتگان به رهبری شیطان از جایگاه خود سقوط می کنند.

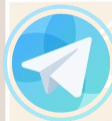
**"برکت خدا با تک تک شما عزیزان"**



باشد که خدا از این طریق با قلبهای شما عزیزان صحبت کرده باشد.  
اگر سوال دارید یا می خواهید قلب خود را به مسیح بسپارید، و یا به نسخه های صوتی و تصویری این درس دسترسی داشته باشید، می توانید از طریق های زیر با ما در تماس باشید.



[222churchvenlo](https://www.facebook.com/222churchvenlo)



[church222venlo](https://t.me/church222venlo)

برای اطلاعات بیشتر، لطفاً از وب سایت ما دیدن فرمایید.



[www.222churchvenlo.com](http://www.222churchvenlo.com)

222CHURCH  
VENLO